Archive of SID

Financial and Behavioral Researches in Accounting
Vol. 1, No. 2, Ser No. (2), Autumn 2021, pp. 100-122

Investigating the Effect of Corporate Governance Mechanisms and Political Connections on Accounting Conservatism in Tehran Stock Exchange

Omid Pourheidari[1], Ali Kiani Chandeh[2], Farid Barati[3]

Received: 2021/07/03
Accepted: 2021/09/12

Research Paper

Abstract

The necessity of success and sound performance of companies is the existence of a strong corporate governance structure to better monitor management and use conservatism to improve financial performance. Present study investigates the effect of corporate governance and political connections on accounting conservatism of companies of listed companies in Tehran Stock Exchange. The statistical sample of the study is collected by systematic deletion from the companies listed in Tehran Stock Exchange during the period of 2013 to 2020, the size of which is 14۰ firms. To test the research hypothesis pooled data regression method is used. The results of the research hypothesis test indicate that the board size does not have a significant positive effect on accounting conservatism. Board independence, audit quality and management ownership have a positive and significant effect on accounting conservatism of companies listed companies in Tehran Stock Exchange. Also the results show that government ownership and political connections have a negative and significant effect on accounting conservatism in firms listed in Tehran Stock Exchange.

Keywords: Accounting Conservatism, Corporate Governance, Political Connections.

JEL Classification: M41, E32

1. Professor of Accounting, Accounting Department, Faculty of Management & Economics, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran**,** (Corresponding Author) **(**Email: Opourheidari@uk.ac.ir)

2. M.S. of Accounting, University of Shahid Bahonar of Kerman, kerman, Iran (Email: alikiani468@gmail.com)

3. M.S. of Accounting, Shahid chamran, University of ahvaz, ahvaz, Iran (Email: fbarati70@gmail.com)

DOI: 10.30486/FBRA.2021.1934745.1017

www.SID.ir

Archive of SID

پژوهش های مالی و رفتاری در حسابداری
دوره اول، شماره دوم، پیاپی ۲، پاییز ۱۴۰۰، صفحه ۱۰۰-۱۲۲

تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی و ارتباطات سیاسی بر محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

امید پورحیدری[۱]، علی کیانی چنده[۲]، فرید براتی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۱

مقاله پژوهشی

چکیده

لازمهٔ موفقیت و عملکرد مناسب شرکت‌ها، وجود ساختار حاکمیت شرکتی قوی برای نظارت بهتر بر مدیریت و استفاده از محافظه‌کاری جهت بهبود عملکرد مالی است. هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و ارتباطات سیاسی بر محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نمونهٔ آماری پژوهش به روش حذف سیستماتیک، از میان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازهٔ زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ انتخاب شده‌است. تعداد این شرکت‌ها ۱۴۰ شرکت است. همچنین، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش رگرسیون داده‌های ترکیبی بهره‌گرفته شده‌است. نتایج حاصل‌از آزمون فرضیه‌های پژوهش گویای آن بود که اندازهٔ هیئت‌مدیره تأثیر مثبت و معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری ندارد.استقلال هیئت‌مدیره، کیفیت حسابرسی و مالکیت مدیریتی تأثیر مثبت و معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارند. همچنین، نتایج نشان داد مالکیت دولتی و روابط سیاسی تأثیر منفی و معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارند.

واژه‌های کلیدی: محافظه‌کاری حسابداری، حاکمیت شرکتی، ارتباطات سیاسی.

طبقه‌بندی موضوعی: M41 ، E32

۱. استاد حسابداری، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (نویسندهٔ مسئول)
(Email: opourheidari@uk.ac.ir)
۲. کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (Email: alikiani468@gmail.com)
۳. کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (Email: fbarati70@gmail.com)

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

یکی از پیش‌شرط‌های بنیادی برای جلب اطمینان سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان در جهت فعالیت‌های سازندهٔ اقتصادی، تهیه و ارائهٔ اطلاعاتی است که در انجام تصمیم‌گیری‌های مالی و اقتصادی سودمند باشد. وجود مکانیزم حسابداری و استانداردهای تدوین شده، اطمینان دادن به سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان، نسبت به کیفیت اطلاعات حسابداری است که در غالب صورت‌های مالی ارائه می‌شود. محافظه‌کاری، ایجادکنندهٔ سیستمی است که از اضافه‌پرداخت به مدیران جلوگیری کرده و مانعی برای هرگونه خوش‌بینی افراطی مدیران خواهد بود. اگر محافظه‌کاری نقشی در ادارهٔ مشکلات نمایندگی ایفا کند، آن‌گاه انتظار می‌رود با افزایش تضاد منافع مدیران و مالکان، تقاضا برای محافظه‌کاری افزایش یابد. به‌این‌ترتیب، شرکت‌هایی با ساختار حاکمیت شرکتی مناسب‌تر، درجهٔ بالاتری از محافظه‌کاری را نیز نشان می‌دهند. این بدان معنی است که انتظار می‌رود حساسیت بازده به اخبار بد، نسبت به اخبار خوب، در بین شرکت‌هایی با ساختار حاکمیت شرکتی قوی‌تر، بیشتر باشد (کیم و همکاران[1]، ۲۰۱۶). محافظه‌کاری حسابداری به واسطهٔ الزام قابلیت اثبات و تأیید بالا برای شناخت درآمد و یا قابلیت اثبات و تأیید پایین برای شناخت هزینه در رابطه با قراردادهای پاداش میان سهام‌داران و مدیران، به وجود آمده‌است. اهمیت محافظه‌کاری ازآن جهت بیان‌کردنی است که اگر مدیران در ارتباط با انتشار صورت‌های مالی بیش از حدود استاندارد، اقدام به انجام محافظه‌کاری نمایند، شفافیت اطلاعات کاهش پیدا می‌کند و در بلندمدت تقارن نداشتن اطلاعاتی به وجود خواهد آمد و دیدگاه سرمایه‌گذاران در ارتباط با انجام سرمایه‌گذاری در شرکت منفی خواهد شد (مجید و همکاران، ۲۰۱۸). از طرفی نیز، در غیاب محافظه‌کاری، ممکن است مدیران با شناسایی درآمدهایی که هنوز تحقق نیافته‌اند به سود مورد نظر خود دست یابند و بر اساس آن پاداش اضافه‌تری دریافت نمایند؛ لذا، درصورت محقق نشدن آن درآمدها در آینده، جبران رفتارهای فرصت‌طلبانهٔ مدیر مشکل خواهد شد و ارزش شرکت نیز کاهش خواهد یافت. بنابراین، محافظه‌کاری حسابداری به واسطهٔ کم‌نمایی دارایی‌ها و محدود کردن تقسیم سود و کاهش هزینه‌های مرتبط با قرارداد بدهی از اهمیت بالایی برای شرکت‌های فعال در بازار سرمایه برخورداراست؛ به عبارت دیگر، استفاده از ارقام حسابداری در قراردادهای بدهی، مدیران را به گزارش ارقام بالا و سوگیرانه تحریک می‌کند و ممکن است ریسک نکول بدهی را افزایش و پرداخت‌های مورد انتظار به اعتباردهندگان را کاهش دهد. بنابراین، برای جلوگیری از چنین وضعیتی و خنثی کردن سوگیری‌های جانب‌دارانهٔ مدیران، توجه به حسابداری محافظه‌کارانه و عوامل مؤثر بر آن بیش از پیش ضرورت خواهد داشت (بنی مهد، ۱۳۹۵).

از طرفی نیز، مسئولیت محدود مدیر، این انگیزه را در مدیران به وجود می‌آورد تا آن‌ها در برآوردهای ارقام حسابداری، به طور جانب‌دارانه‌ای عمل کنند و بی‌طرفی را رعایت نکنند. این درحالی است که محافظه‌کاری حسابداری می‌تواند رفتار جانب‌دارانهٔ مدیر و در نتیجه پرداخت اضافی به مدیران و سایر گروه‌ها را محدود نماید که سرانجام، این محدودیت، اهداف استانداردگذاری را تحقق خواهد بخشید. همچنین، از آنجا که محافظه‌کاری باعث می‌شود تا مدیران که از اطلاعات داخل واحد تجاری آگاه هستند، نسبت به سایر گروه‌های طرف قرارداد با شرکت که اطلاعات کمتری نسبت به مدیران دارند، مزیت و برتری خاصی نداشته باشند، ضرورت دارد، این موضوع به صورت تجربی، به منظور کاهش تقارن نداشتن اطلاعاتی مورد مطالعه قرار گیرد (باسو[2]، ۱۹۹۷).

1. Kim et al.
2. Basu

www.SID.ir

Archive of SID

از سوی دیگر، در زمینهٔ تأثیر ارتباطات سیاسی و مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر محافظه‌کاری حسابداری، در بسیاری از کشورهای پیشرفته و حتی در حال توسعه، تحقیقات زیادی انجام شده‌است؛ اما بررسی ادبیات پژوهش گویای این است که تا کنون پژوهش قابل توجهی به بررسی این موضوع در بازار سرمایهٔ ایران نپرداخته‌است؛ به عبارت دیگر، اکثر تحقیقات در کشورهای پیشرفته و بازارهای بزرگ انجام شده و کشوری در حال توسعه نظیر ایران، سهم بسیار کوچکی در این میان دارد. بنابراین، یکی دیگر از ضرورت‌های انجام این پژوهش، سهیم شدن در ادبیات بین‌المللی حسابداری از طریق بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و ارتباطات سیاسی بر محافظه‌کاری حسابداری در بازار سرمایهٔ ایران است.

مبانی نظری و پیشینهٔ پژوهش

محافظه‌کاری واکنشی است احتیاطی که در شرایط نبود اطمینان به‌کار گرفته می‌شود و می‌کوشد نشان دهد که ریسک ذاتی و نااطمینانی در وضعیت شرکت، به قدر کافی مورد توجه قرار گرفته‌است. محافظه‌کاری، یک مفهوم حسابداری است که منجر به کاهش سود انباشتهٔ گزارش شده از طریق شناخت دیرتر درآمد و شناخت سریعتر هزینه، ارزیابی پایین دارایی و ارزیابی بالای بدهی می‌شود. باسو (۱۹۹۷)، محافظه‌کاری را الزام به داشتن درجهٔ بالایی از اثبات و تأیید برای شناخت اخبار خوب مانند سود، در مقابل شناخت اخبار بد مانند زیان تعریف می‌نماید؛ اما مسئله و مشکل اصلی محافظه‌کاری شرکت‌ها در ارتباط با انتشار اطلاعات ناقص از سوی مدیران شرکت‌ها است که در دهه‌های اخیر، توجه بسیاری از سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان در بورس اوراق بهادار تهران را به خود معطوف ساخته‌است؛ به عبارت دیگر، با توجه به اینکه مدیران به دنبال جلب رضایت سهام‌داران و سرمایه‌گذاران جدید می‌باشند، همیشه به دنبال ایجاد یک نوع شکاف اطلاعاتی در ارتباط با کمتر نشان دادن ریسک شرکت هستند که این موضوع به یکی از مسائل مهم امروزی در بورس اوراق بهادار تهران تبدیل شده‌است. بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته، عوامل متعددی می‌تواند در انتخاب رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه دخیل باشد؛ در این راستا، استقرار مناسب سازوکارهای حاکمیت شرکتی، اقدامی اساسی برای شفافیت، رعایت انصاف و حقوق همهٔ ذی‌نفعان شرکت‌ها در اتخاذ رویه‌های محافظه‌کارانهٔ حسابداری می‌باشد. چنین استنباط می‌شود که شرکت‌ها با ساختار حاکمیت شرکتی قوی به دلیل نظارت بیشتر بر مدیریت از روش‌های محافظه‌کارانهٔ بیشتری در گزارشگری مالی استفاده می‌کنند. در حالی که مدیران در شرکت‌های با ساختار حاکمیت شرکتی ضعیف، انگیزه و مشوق‌های لازم برای گزارشگری صحیح را نداشته و بالعکس، انگیزهٔ بیشتری برای رفتارهای فرصت‌طلبانه و جانب‌دارانه خواهند داشت (مراد زاده فرد و همکاران، ۱۳۹۰). یکی از مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی، اندازهٔ هیئت‌مدیره است. بر اساس مفاهیم تئوری نمایندگی، هیئت‌مدیرهٔ کوچک‌تر، به دلیل بالا بودن حجم فعالیت‌های شرکت و پایین بودن تعداد اعضای هیئت‌مدیره، زمان اندکی برای ایفای وظایف نظارتی و تصمیم‌گیری خود دارد؛ بنابراین، هرچه اندازهٔ هیئت‌مدیره بزرگتر باشد، ایفای مسئولیت نظارتی بهتر صورت گرفته، احتمال انجام اقدامات فرصت‌طلبانه از جانب مدیریت کاهش می‌یابد که این امر منتج به اتخاذ رویه‌های محافظه‌کارانه‌تر در گزارشگری مالی از جانب مدیریت می‌گردد. ضمن آنکه هیئت مدیرهٔ بزرگتر، احتمال بیشتری دارد که در ترکیب خود از مدیران غیرموظف استفاده نماید. بر اساس فرضیهٔ نظارت مؤثر، حضور اعضای غیرموظف در هیئت‌مدیره، قدرت هیئت‌مدیره را به عنوان مکانیزم نظارت، افزایش داده و احتمال تبانی اعضای هیئت‌مدیره با مدیریت را درراستای تأمین منافع شخصی خویش کاهش می‌دهد. براساس فرضیهٔ مذکور، استقلال اعضای هیئت‌مدیره، عامل مهمی در بالا بردن و تقویت نقش نظارتی اعضای هیئت‌مدیره می‌باشد که می‌تواند

www.SID.ir

Archive of SID

منجر به اصلاح رفتارهای فرصت‌طلبانهٔ مدیریت در گزارشگری مالی گردد (تاروردی و همکاران، ۱۳۹۵). از طرفی نیز، براساس مفاهیم تئوری نمایندگی، در شرکت‌های با میزان مالکیت مدیریتی بالا، به واسطهٔ همسو شدن منافع مدیران و سهام‌داران، رفتارهای فرصت‌طلبانهٔ مدیریت کاهش یافته و سبب می‌شود که مدیران به منظور حفظ حقوق سهام‌داران، از گزارش سودهای تحقق نیافته اجتناب ورزیده و به عبارت بهتر، رویه‌های محافظه‌کارانه‌تری در پیش بگیرند (کامران و همکاران[1]، ۲۰۱۷).

کاپلان و همکاران[2] (۲۰۱۳)، نیز، معتقدند مالکیت دولتی شرکت‌ها سبب می‌شود شخص یا اشخاصی که به نمایندگی از سوی دولت، انتخاب مدیران شرکت را برعهده دارند، دلسوزی لازم را نسبت به منابع اقتصادی دولت نداشته باشند و در نتیجه نظارت مؤثری هم بر فعالیت‌های مدیران شرکت‌های دولتی اعمال ننمایند. در نتیجه مدیران این‌گونه شرکت‌ها به جهت نظارت اندک مالکان دولتی بر رفتار آن‌ها در پی تأمین منافع شخصی خویش برآمده و از رویه‌های غیرمحافظه‌کارانهٔ بیشتری در گزارشگری مالی به منظور مطلوب جلوه دادن عملکرد خود، استفاده می‌نمایند. بر اساس پژوهش‌های صورت گرفتهٔ پیشین، کیفیت و تخصص حسابرسان نیز، از جمله عواملی است که می‌تواند مدیران را مجبور به پیش گرفتن رویه‌های محافظه‌کارانه نماید. طبق مطالعات صورت گرفته، حسابرسان بی‌تجربه و فاقدِ دانش کافی دربارهٔ فعالیت‌های تجاری و سیستم‌های کنترل داخلی صاحب‌کار، مجبور می‌شوند بیشتر روی تصمیمات مدیران در رابطه با گزارش مالی اتکا کنند و در نتیجه احتمال بیشتری وجود دارد که با رویه‌های فرصت‌طلبانهٔ مدیران موافقت‌کنند؛ این امر می‌تواند منجر به کاهش استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه مدیران شرکت صاحب‌کار شود؛ اما در صورتی‌که حسابرس، واجد دانش و تخصص لازم از فعالیت‌های تجاری شرکت صاحب‌کار باشد، هوشیاری آن‌ها نسبت به کار، بیشتر شده و از هرگونه ریسک حسابرسی بالقوه اجتناب می‌کنند؛ در نتیجه، درخواست استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه‌تری را از مدیریت خواهند داشت (وکیلی فرد و همکاران، ۱۳۹۳).

بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته در زمینهٔ عوامل مؤثر بر اتخاذ رویه‌های محافظه‌کارانه، از دیگر عواملی که می‌تواند سبب اتخاذ رویه‌های غیرمحافظه‌کارانه در گزارشگری مالی شود، روابط سیاسی شرکت‌ها است. روابط و نفوذ سیاسی، نه تنها بر وضعیت مالی بنگاه‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را نیز در ارتباط با گزارشگری مالی و اتخاذ رویه‌های محافظه‌کارانه، تحت تأثیر قرار می‌دهد. چن و همکاران[3] (۲۰۱۳)، استدلال کردند مدیران شرکت‌های دارای روابط سیاسی، گزارشگری منافع دریافتی ناشی از ارتباطات سیاسی خود را با اهداف عمدی برای گمراه کردن سرمایه‌گذاران به تأخیر می‌اندازند. در واقع مدیران شرکت‌هایی که ارتباطات سیاسی دارند به کیفیت اطلاعات افشا شدهٔ خود توجه کمتری دارند و ممکن است در جهت حداکثر ساختن منافع خود، اقدام به گزارشگری متهورانه نمایند و از رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه پیروی نکنند (چن و همکاران، ۲۰۱۳).

با توجه به تفاوت‌های ساختاری میان بازار سرمایهٔ ایران با کشورهای توسعه یافته، نتایج پژوهش‌های انجام گرفته در کشورهای دیگر در زمینهٔ مورد نظر این پژوهش، ممکن است از قابلیت تعمیم کمتری به بازار سرمایه ایران برخوردار باشد. از طرف دیگر، بررسی ادبیات پژوهش گویای این است که تا کنون پژوهشی به تأثیر حاکمیت شرکتی و ارتباطات سیاسی شرکت‌ها بر سطح محافظه‌کاری حسابداری در بازار سرمایهٔ ایران نپرداخته‌است. بنابراین، پژوهش

1. Kamran et al.
2. Kaplan et al.
3. Chen et al.

www.SID.ir

Archive of SID

حاضر با هدف بررسی این موضوع در بازار سرمایهٔ ایران، درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا حاکمیت شرکتی و ارتباطات سیاسی شرکت‌ها بر محافظه‌کاری حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران تأثیرگذار است؟

تعریف محافظه‌کاری حسابداری

محافظه‌کاری از ویژگی‌های بارز گزارشگری مالی است که از مدت‌ها پیش با تئوری و عمل حسابداری درآمیخته‌است. به نظر واتس (۲۰۰۳)، محافظه‌کاری دست‌کم از ابتدای قرن بیستم تا کنون، یک ویژگی برجسته و غالب در عرصهٔ حسابداری و گزارشگری مالی بوده‌است. محافظه‌کاری را به دو دستهٔ محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی تقسیم نموده‌اند.

محافظه‌کاری شرطی، محافظه‌کاری‌ای است که توسط استانداردهای حسابداری الزام شده‌است؛ یعنی شناخت به‌موقع زیان در صورت وجود اخبار بد و نامطلوب و نشناختن سود در مواقع وجود اخبار خوب و مطلوب؛ اما محافظه‌کاری غیرشرطی از طریق استانداردهای پذیرفته شدهٔ حسابداری، الزام نگردیده‌است. این نوع محافظه‌کاری، کمتر از واقع نشان دادن ارزش دفتری خالص دارایی‌ها به واسطهٔ رویه‌های از پیش تعیین شدهٔ حسابداری است (رایان و همکاران ۲۰۱۳).

با وجود این، در متون حسابداری دو خصوصیت عمدهٔ محافظه‌کاری مورد بررسی قرارگرفته‌است:

۱. جانب‌داری رو به پایین ارزش دفتری سرمایه نسبت به ارزش بازار آن؛
۲. گرایش به تسریع در شناسایی هزینه‌ها و تعویق شناخت درآمدها.

واتس[1] در سال ۲۰۰۳ محافظه‌کاری را چنین تعریف‌کرده‌است:

«محافظه‌کاری به طور سنتی با ضرب‌المثل هیچ سودی را پیش‌بینی نکنید اما همهٔ زیان‌ها را پیش‌بینی کنید تعریف شده‌است». باسو(۱۹۹۷)، محافظه‌کاری را الزام به داشتن درجهٔ بالایی از تأیید برای شناخت اخبار خوب مانند سود، در مقابل شناخت اخبار بد مانند زیان تعریف می‌نماید. این تعریف، محافظه‌کاری را از دیدگاه سود و زیان توصیف می‌نماید؛ اما تعریف دیگر، تعریف محافظه‌کاری از دیدگاه ترازنامه است. بر اساس این دیدگاه، در مواردی که تردیدی واقعی در انتخاب بین دو یا چند روش گزارشگری وجود دارد، آن روشی باید انتخاب شود که کمترین اثر مطلوب بر حقوق صاحبان سهام داشته باشد. تعریف سوم دربارهٔ محافظه‌کاری بر پایهٔ دیدگاه ترکیبی ترازنامه و سود و زیان است. در دیدگاه سوم، محافظه‌کاری یک مفهوم حسابداری است که منجر به کاهش سود انباشته گزارش شده از طریق شناخت دیرتر درآمد و شناخت سریع‌تر هزینه، ارزیابی پایین دارایی و ارزیابی بالای بدهی می‌شود (اسلامی بیدگلی،۱۳۹۰).

مفهوم حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی مجموعهٔ مکانیسم‌های هدایت و کنترل شرکت‌ها است. نظام حاکمیت شرکتی توزیع حقوق و مسئولیت‌های ذی‌نفعان مختلف شرکت‌ها اعم از مدیران، کارکنان، سهام‌داران و سایر شخصیت‌های حقیقی و حقوقی را که از فعالیت‌های شرکت تأثیر پذیرفته و بر آن اثر می‌گذارند مشخص می‌کند (لیم و همکاران[2]، ۲۰۰۹)، این نظام که قوانین و رویه‌هایی جهت تعیین فرآیندهای تصمیم‌گیری در شرکت اعم از هدف‌گذاری، تعیین ابزارهای رسیدن به

1. what's
2. Lim et al.

www.SID.ir

Archive of SID

اهداف و طرح‌های سیستم‌های کنترلی را معین می‌کند، با راه‌هایی که تأمین‌کنندگان منابع مالی جهت اطمینان از بازگشت سرمایه‌شان به‌کار می‌بندند، ارتباط تنگاتنگی دارد. نظام حاکمیت شرکتی مجموعهٔ دستورالعمل‌ها، ساختارها، فرآیندها و هنجارهای فرهنگی است که شرکت‌ها با رعایت آن‌ها به اهداف شفافیت در فرآیندهای کاری، پاسخ‌گویی در مقابل ذی‌نفعان و رعایت حقوق ایشان دست خواهند یافت. مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی باعث کم شدن مشکلات نمایندگی در شرکت‌ها می‌شود. کیفیت این مکانیسم‌ها امری نسبی بوده و از شرکتی به شرکت دیگر متفاوت است. کیفیت، حاکمیتی شرکتی فرض می‌شود که در تمام مراحل ایجاد ارزش در شرکت وجود داشته باشد. یکی از روش‌های ایجاد ارزش، کاهش هزینه‌های تأمین مالی در شرکت‌ها است (احمد پور و همکارن، ۱۳۸۹). در یک نگاه کلی، حاکمیت شرکتی را می‌توان شامل ترتیبات حقوقی، فرهنگی و نهادی دانست که سمت و سوی حرکت و عملکرد شرکت‌ها را تعیین می‌کند. عناصری که در این صحنه حضور دارند، عبارت‌اند از سهام‌داران و ساختار مالکیت ایشان، اعضای هیئت‌مدیره و ترکیبات آنان، مدیریت شرکت که توسط مدیرعامل یا مدیر ارشد اجرایی هدایت می‌شود و سایر ذی‌نفعان که امکان اثرگذاری بر حرکت شرکت را دارند (ستایش و همکاران، ۱۳۹۰).

ارتباطات سیاسی شرکت‌ها

اصطلاح نظام سرمایه‌داری رابطه‌ای، برای توصیف رابطهٔ نزدیک، بین دولت با واحدهای تجاری به‌کار می‌رود. واحدهای تجاری تمایل زیادی به برقراری ارتباط نزدیک با دولت دارند زیرا این روابط منافع زیادی نظیر امتیاز دسترسی به بازار، تخفیف‌های مالیاتی، دسترسی آسان‌تر به اعتبارات، یارانه‌های دولتی، بستن قراردادهای سودآور، کاهش تعرفهٔ گمرکی و غیره برای آن‌ها در پی خواهد داشت. در عوض واحدهای تجاری مرتبط ممکن است منافع به دست آمدهٔ ناشی از این روابط را با دولت سهیم شوند. این نوع بافت اقتصادی در سطح جامعه «اقتصاد مبتنی بر رابطه» نامیده می‌شود که دارای ویژگی‌ها و مشخصه‌های خاص خود است؛ لذا می‌توان بیان کرد، در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر روابط، ارتباطات سیاسی یک منبع مهم ارزش برای شرکت‌های دارای روابط است. شرکت‌های دارای روابط سیاسی، راحت‌تر به منابع سرمایه و مزایای دیگر ازطریق ارتباطات خود دست می‌یابند که باعث می‌شود کمتر به گزارشگری مالی باکیفیت متکی باشند (چنی و همکاران[1]، ۲۰۱۲). روابط و نفوذ سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی بنگاه‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را نیز در ارتباط با گزارشگری مالی تحت تأثیر قرار می‌دهد. انتظار می‌رود این امر در نهایت باعث ایجاد تفاوت چشمگیر، در کیفیت صورت‌های مالی شرکت‌های دارای روابط سیاسی در مقایسه با شرکت‌های بدون روابط سیاسی گردد(چنی و همکاران، ۲۰۱۲).

برخی پژوهش‌های انجام شده در این حوزه در ادامه تشریح می‌شود:

یین و همکاران[2] (۲۰۲۰)، در تحقیق خود به بررسی وجود پیوندهای اجتماعی میان مدیران عامل و هیئت‌مدیره، با محافظه‌کاری حسابداری و کیفیت سیستم کنترل داخلی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که هر چه وابستگی و پیوند اجتماعی میان مدیرعامل با هیئت‌مدیرهٔ شرکت بیشتر باشد، محافظه‌کاری در ارائهٔ گزارش‌های مالی کمتر خواهد بود و کیفیت سیستم کنترل داخلی صاحبکار نیز کاهش خواهد یافت، زیرا در چنین شرایطی مکانیزم نظارت و کنترل بر عملکرد مدیرعامل از جانب اعضای هیئت‌مدیره، کاهش می‌یابد.

1. Cheney et al.
2. Yin et al.

www.SID.ir

Archive of SID

کولین و همکاران[1] (۲۰۱۹) در پژوهش خود به بررسی تأثیر مکانیزم‌های راهبری شرکتی (اندازهٔ هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره، جداسازی نقش دوگانهٔ مدیرعامل و نوع حسابرسی خارجی) بر حسابداری مصر پرداخت. یافته‌های پژوهش گویای ارتباط بین استقلال هیئت‌مدیره و محافظه‌کاری حسابداری می‌باشد. در مقابل اندازهٔ هیئت‌مدیره و نوع حسابرسی داخلی با محافظه‌کاری حسابداری رابطهٔ معکوس دارد و بین نقش دوگانهٔ مدیرعامل بر محافظه‌کاری حسابداری رابطه‌ای یافت نشد. ابوزریق و همکاران[2] (۲۰۱۸) در پژوهش خود به بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت در اردن پرداختند در این پژوهش ساختار مالکیت از دو بُعد مالکیت خارجی و خانوادگی بررسی گشت. نتایج تحقیق نشان داد بین ساختار مالکیت و عملکرد شرکت رابطهٔ معنادار وجود دارد.

مجید و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی تحت عنوان «رقابت بازار محصول، ساختار مالکیت و محافظه‌کاری حسابداری» دربارهٔ اثر رقابت بازار محصول و ساختار مالکیت بر محافظه‌کاری حسابداری در بازار سرمایهٔ چین مطالعه کردند. نتایج پژوهش آن‌ها با استفاده از روش رگرسیون چندمتغیره نشان داد شدت رقابت بازار محصول منجر به افزایش محافظه‌کاری می‌شود. علاوه بر این، زمانی که مالکیت نهادی یا مالکیت مدیریتی بیشتر باشد، رقابت بر محافظه‌کاری اثر می‌گذارد.

حبیب و همکاران[3] (۲۰۱۸)، در پژوهشی با عنوان «ارتباطات سیاسی و تأخیر در ارائهٔ گزارش حسابرسی» به بررسی تأثیر روابط سیاسی شرکت بر تأخیر در ارائهٔ گزارش حسابرسی در بازار سرمایهٔ اندونزی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها با استفاده از روش رگرسیون چندمتغیره نشان داد در شرکت‌هایی که دارای روابط سیاسی هستند، میزان تأخیر در ارائهٔ گزارش حسابرسی نسبت به شرکت‌های فاقد روابط سیاسی طولانی‌تر است.

کامران و همکاران (۲۰۱۷)، پژوهشی با عنوان «محافظه‌کاری حسابداری، حاکمیت شرکتی و ارتباطات سیاسی» در بازار سرمایهٔ مالزی انجام دادند. نتایج پژوهش آن‌ها با استفاده از روش رگرسیون چندمتغیره بیانگر این است که حاکمیت شرکتی تأثیر مثبت و معناداری بر سطح محافظه‌کاری حسابداری دارد. علاوه بر این، نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد ارتباطات سیاسی نقش تعدیل‌کنندگی منفی بر رابطهٔ مذکور دارد.

هو و همکاران[4] (۲۰۱۷)، در پژوهشی با عنوان «ارتباطات سیاسی مدیران اجرایی، شرکت‌ها و اظهارنظر حسابرسی» بر تأثیر روابط سیاسی شرکت‌ها بر اظهارنظر حسابرسی در بازار سرمایهٔ چین پرداختند. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش آن‌ها با استفاده از روش رگرسیون لجستیک نشان داد احتمال دریافت اظهارنظر مطلوب حسابرسی با ارتباطات سیاسی مدیران اجرایی رابطهٔ مثبت و معناداری دارد.

بلیس و همکاران[5] (۲۰۱۲)، در پژوهشی تحت عنوان «ارتباطات سیاسی و ساختار سرمایه»، ساختار سرمایهٔ شرکت‌های دارای روابط سیاسی را در مالزی بررسی کردند. آن‌ها با استفاده از روش رگرسیون چندگانه نشان دادند که سودآوری در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی در مقایسه با شرکت‌های فاقد ارتباطات سیاسی، پایین‌تر بوده و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری در شرکت‌های دارای روابط سیاسی با نسبت بدهی رابطهٔ مستقیمی دارد.

1. Collin et al.
2. Abu Zraiq et al.
3. Habib et al.
4. Hu et al.
5. Bliss et al.

www.SID.ir

Archive of SID

صالحی و همکاران (۱۳۹۸)، رابطهٔ دو بُعد محافظه‌کاری بر متغیرهای رفتار سرمایه‌گذاری و بازدهی آتی ۱۹۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. نتایج حاکی از آن است که محافظه‌کاری شرطی به کاهش تمایلات سرمایه‌گذاری شرکت‌ها منجر می‌شود، در حالی که محافظه‌کاری غیرشرطی، شرکت‌ها را به سرمایه‌گذاری بیشتر ترغیب می‌کند. در بررسی رابطهٔ محافظه‌کاری و بازدهی آتی مشخص شد که بین محافظه‌کاری شرطی یا غیرشرطی و بازدهی آتی شرکت‌ها رابطه‌ای منفی یا مثبت و معنادار وجود دارد. از این رو، افزایش محافظه‌کاری شرطی یا غیرشرطی، بازدهی آتی شرکت‌ها را کاهش یا افزایش خواهد داد. به طور کلی، نتایج نشان می‌دهد که انواع محافظه‌کاری می‌تواند بر رفتار و میزان سرمایه‌گذاری و بازدهی شرکت‌ها اثرگذار باشد.

ملکی و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر چرخهٔ عمر شرکت‌ها بر سطح محافظه‌کاری پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که میزان محافظه‌کاری محاسبه شده با استفاده از مدل خان و واتس (۲۰۰۹)، در مراحل مختلف چرخهٔ عمر شرکت‌ها متفاوت است؛ به طوری‌که مرحلهٔ رشد شرکت طی چرخهٔ عمر، تأثیر منفی و معنی‌داری بر محافظه‌کاری شرکت‌ها دارد و بین مرحلهٔ بلوغ و افول با محافظه‌کاری شرکت‌ها رابطهٔ مثبت و معنی‌داری وجود دارد. خدامی‌پور و همکاران (۱۳۹۷) تأثیر محافظه‌کاری حسابداری و مالکیت سهام‌داران نهادی بر مدیریت سود با استفاده از قانون بنفورد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. یافته‌های حاصل از مطالعه نشان داد محافظه‌کاری، مالکیت سهام‌داران نهادی و اثر تعاملی این دو متغیر باعث کاهش مدیریت سود می‌شود.

بادآورنهندی و همکاران (۱۳۹۷)، تأثیر ارتباطات سیاسی شرکت بر سرمایه‌گذاری بیش از حد و عملکرد شرکت طی سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که ارتباطات سیاسی بر سرمایه‌گذاری بیش از حد تأثیر مثبت و معناداری دارد و برعملکرد شرکت تأثیر منفی دارد. رضایی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی کیفیت راهبری شرکتی بر عملکرد شرکت‌ها و بحران مالی آن‌ها پرداختند. برای ارزیابی راهبری شرکتی شرکت‌های تحت بررسی، از چهار بُعد افشا و شفافیت، ترکیب هیئت‌مدیره ، حق رای سهام‌داران استفاده‌کرد. نتایج به دست آمده دلالت بر این دارد که کیفیت راهبری شرکتی بر ROA ، ROE و ارزش شرکت تأثیر دارد و با بحران مالی تأثیر معناداری ندارد. سوری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود به بررسی تأثیر ساختار مالکیت و محافظه‌کاری حسابداری پرداختند. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن است که ساختار مالکیت دولتی با محافظه‌کاری حسابداری رابطهٔ معنادار و معکوسی دارد.

نصیرزاده و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر ویژگی‌های کمیتهٔ حسابرسی بر محافظه‌کاری شرطی» به بررسی اثر ویژگی‌های کمیتهٔ حسابرسی بر محافظه‌کاری شرطی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش آن‌ها با استفاده از روش رگرسیون داده‌های ترکیبی گویای ارتباط معنادار میان تخصص مالی، استقلال، تجربه و اندازهٔ کمیتهٔ حسابرسی با محافظه‌کاری شرطی در بورس اوراق بهادار تهران است.

کاظمی و همکاران (۱۳۹۶)، پژوهشی با عنوان «تأثیر حاکمیت شرکتی بر محافظه‌کاری حسابداری و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» انجام دادند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش آن‌ها با استفاده از تحلیل رگرسیون موردکاوی نشان داد بین میزان مالکیت سهام‌داران نهادی و محافظه‌کاری رابطهٔ

www.SID.ir

Archive of SID

معکوس و معنادار وجود دارد و بین میزان تمرکز مالکیت، میزان استقلال اعضای هیئت‌مدیره با محافظه‌کاری رابطهٔ معناداری وجود ندارد.

امـــامی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خـــود به بررسی تأثیر اعضای غیر موظف هیئت‌مدیره و وظیفـهٔ دوگانـهٔ مدیرعامل به عنوان راهبری شرکتی قوی بر محافظه‌کاری حسابداری شرکت‌های پذیرفتـه شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتـایج ایـن پژوهش حاکی از آن است که نظام راهبری شرکتی قوی، محافظه‌کاری را افـزایش می‌دهـد.

کم (۱۳۹۲) در پژوهش خود رابطهٔ بین ساختار مالکیت و محافظه‌کاری حسابداری در ۱۰۴ شرکت پذیرفتـه شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررســی کرده‌است. نتایج این پژوهش گواه وجود رابطهٔ معنادار بین سـاختار مالکیـت و محافظه‌کاری حسابداری است که در ساختار مالکیت میـزان مالکیـت بزرگتـرین سهام‌دار، سهام‌داران نهادی فعال و غیرفعال ، سهام‌داران حقیقی و نهایتاً اعضای هیئت‌مدیره مـدنظـر بوده‌است.

حساس یگانه و همکاران (۱۳۸۹)، پژوهشی با عنوان «بررسی رابطهٔ بین تمرکز مالکیت و محافظه‌کاری در بورس اوراق بهادار تهران» انجام دادند. نتایج پژوهش آن‌ها با استفاده از نمونه‌ای شامل ۲۸۵ سال _شرکت و استفاده از روش رگرسیون داده‌های ترکیبی نشان داد مطابق با فرضیات منافع شخصی و اتحاد استراتژیک، رابطهٔ منفی معناداری میان تمرکز مالکیت و محافظه‌کاری حسابداری وجود دارد.

ابراهیمی کردلر و همکاران (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطهٔ بین هزینه‌های سیاسی و محافظـه‌کـاری در بورس اوراق بهادار تهران» به بررسی رابطهٔ بین برخی از نمایندگان هزینهٔ سیاسی و محافظـه‌کـاری حسـابداری در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. آن‌ها با استفاده از اطلاعات پنج سالهٔ شرکت‌هـای پذیرفتـه شـده در بـازار سـرمایهٔ ایران و استفاده از روش رگرسیون چندمتغیره نشان دادند که بین اندازه و شدت سرمایه‌گذاری با محافظه‌کاری رابطـهٔ منفی و بین درجهٔ رقابت در صنعت و مالکیت دولتی با محافظه‌کاری رابطهٔ مثبت وجود دارد.

فرضیه‌های پژوهش

باتوجه به مبانی نظری و پیشینهٔ تجربی پژوهش، شش فرضیهٔ اصلی به شرح زیر مطرح می‌شود:

فرضیهٔ اول: اندازهٔ هیئت‌مدیره تأثیر مثبت و معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد.

فرضیهٔ دوم: استقلال هیئت‌مدیره تأثیر مثبت و معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد.

فرضیهٔ سوم:کیفیت حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد.

فرضیهٔ چهارم: مالکیت مدیریت تأثیر مثبت و معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد.

فرضیهٔ پنجم: مالکیت دولتی تأثیر منفی و معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد.

فرضیهٔ ششم: ارتباطات سیاسی شرکت تأثیر منفی و معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس هدف، از نوع کاربردی است، چرا که نتایج آن را افراد مختلـف مسـتقیماً مـی‌تواننـد اسـتفاده کنند. از نظر روش، از نوع توصیفی- همبستگی است. از بُعد ماهیت داده‌ها، پژوهش کمّی است؛ یعنی بـا یـک نگـرش عینی به جمع‌آوری و تحلیل داده‌های کمّی می‌پردازد. افزون بر این، از جهـت نـوع اسـتدلال، یـک پـژوهش ترکیبـی است؛ بدین معنا که درصدد طراحی یک مدل کلی بر اساس مشاهدات تجربی و جمع‌آوری داده‌های کمی می‌باشـد. از

www.SID.ir

Archive of SID

نظر بعد زمانی نیز یک پژوهش گذشته‌نگر و از جهت بعد طول زمان، پژوهشی ترکیبی یا مقطعی– سری زمانی است. از لحاظ روش‌ها و فنون جمع‌آوری اطلاعات از نوع اسنادکاوی می‌باشد. از لحاظ ماهیت پژوهش نیز اصیل و دست‌اول است و سرانجام، بر اساس طرح پژوهش، نیمه‌تجربی است.

جامعهٔ مورد مطالعهٔ پژوهش حاضر کلیهٔ شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نمونه‌گیری پژوهش حاضر به صورت مرحله‌ای سیستماتیک است. بدین صورت که از بین کلیهٔ شرکت‌های موجود در بورس اوراق بهادار تهران، شرکت‌هایی که واجد هر یک از شرایط زیر نباشند، حذف شده و در نهایت شرکت‌های باقی مانده جهت انجام آزمون انتخاب می‌شوند.

۱. شرکت‌هایی که تاریخ پذیرش آن‌ها در سازمان بورس اوراق بهادار قبل از سال ۱۳۹۰ بوده و تا پایان سال ۱۳۹۸ نیز در فهرست شرکت‌های بورسی باشند.
۲. به منظور قابل مقایسه بودن، دورهٔ مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد و طی دورهٔ مورد بررسی، تغییر سال مالی نداشته باشند.
۳. جزء صنایع واسطه‌گری مالی و سرمایه‌گذاری، لیزینگ و شرکت‌های بیمه نباشند؛ زیرا افشای اطلاعات مالی و ساختار این‌گونه شرکت‌ها با سایر شرکت‌ها متفاوت است.
۴. صورت‌های مالی آن‌ها حسابرسی شده باشد.
۵. کلیهٔ اطلاعات مالی و غیرمالی موردنیاز، از جمله یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی در دسترس باشد.
۶. سهام آن‌ها حداقل هر شش ماه یک بار معامله شده باشد.

باتوجه به محدودیت‌های در نظر گرفته، تعداد ۱۴۰ شرکت (۱۲۶۰ سال- شرکت)، شرایط حضور در جامعهٔ آماری را دارا بوده‌اند؛ لذا، همهٔ شرکت‌هایی که شرایط بررسی در جامعهٔ آماری را داشته‌اند، به‌عنوان نمونهٔ آماری در نظر گرفته شده‌اند. در جدول زیر فرآیند انتخاب شرکت‌های نمونه ارائه شده‌است.

این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و ارتباطات سیاسی بر محافظه‌کاری حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران است. بدین منظور برای آزمون فرضیه‌های اول تا ششم پژوهش، به پیروی از پژوهش کامران و همکاران (۲۰۱۷)، به ترتیب از مدل رگرسیونی (۱) تا (۶) استفاده شده‌است.

$$Conservatism_{it} + \beta_0 + \beta_1 BSIZE_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3\ LEV_{it} + \beta_4 PROFIT_{it} + \beta_5 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۱)

$$Conservatism_{it} + \beta_0 + \beta_1 BIND_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3\ LEV_{it} + \beta_4 PROFIT_{it} + \beta_5 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۲)

$$Conservatism_{it} + \beta_0 + \beta_1 AQUALITY_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3\ LEV_{it} + \beta_4 PROFIT_{it} + \beta_5 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۳)

$$Conservatism_{it} + \beta_0 + \beta_1 MOWN_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3\ LEV_{it} + \beta_4 PROFIT_{it} + \beta_5 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۴)

$$Conservatism_{it} + \beta_0 + \beta_1 GOWN_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3\ LEV_{it} + \beta_4 PROFIT_{it} + \beta_5 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۵)

www.SID.ir

Archive of SID

$$Conservatism_{it} + \beta_0 + \beta_1 POLITICAL_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3\ LEV_{it} + \beta_4 PROFIT_{it} + \beta_5 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۶)

متغیر وابسته:

محافظه‌کاری حسابداری(*Conservatism*): در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری شاخص محافظه‌کاری (شرطی) از مدل گیولی وهمکاران[1] (۲۰۰۰)، استفاده می‌شود. شاخص محافظه‌کاری بر اساس مدل مزبور به شرح رابطهٔ(۱) محاسبه می‌گردد:

$$Conservatism = \frac{Accruals}{Total\ Asets} \times (-1)$$

رابطهٔ (۱):

که در آن:

Conservatism= محافظه‌کاری حسابداری

Accruals= اقلام تعهدی عملیاتی

Total Assets= مجموع دارایی‌ها در اول دوره

اقلام تعهدی عملیاتی از تفاوت سود خالص و جریان نقدی عملیاتی به علاوهٔ هزینهٔ استهلاک به دست می‌آید. به عقیدهٔ گیولی و همکاران (۲۰۰۰)، رشد اقلام تعهدی می‌تواند شاخصی از تغییر در درجهٔ محافظه‌کاری حسابداری در طول یک دورهٔ بلندمدت باشد. به بیانی دیگر، اگر اقلام تعهدی افزایش یابد، در آن صورت محافظه‌کاری کاهش می‌یابد و بر عکس. از این رو، برای تعیین جهت تغییرات محافظه‌کاری، اقلام تعهدی در عدد (۱-) ضرب می‌شود (گیولی و همکاران، ۲۰۰۰).

متغیرهای مستقل:

اندازهٔ هیئت‌مدیره(BSIZE): این متغیر برابر است با تعداد اعضای هیئت‌مدیرهٔ شرکت در هر یک از سنوات پژوهش.

استقلال هیئت‌مدیره(BIND): این متغیر از تقسیم تعداد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره بر تعداد کل اعضای هیئت‌مدیره حاصل می‌شود. بیشتر این اعضا باید غیرموظف باشند و تعداد مدیر یا مدیران مستقلشان نباید کمتر از بیست درصد تعداد کل اعضای هیئت مدیره باشد (مراد زاده فرد، ۱۳۹۰).

کیفیت حسابرسی(AQUALITY): در پژوهش حاضر، به منظور ارزیابی کیفیت حسابرسی از شاخص تخصص حسابرس در صنعت استفاده می‌شود. این متغیر یک متغیر مجازی است؛ در صورتی که حسابرس، متخصص صنعت باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به آن نسبت داده می‌شود. در این پژوهش به پیروی از پژوهش حاجیها و سبحانی (۱۳۹۱)، از سهم بازار به عنوان شاخصی برای تخصص حسابرس در صنعت بهره گرفته می‌شود. هرچه سهم بازار حسابرس بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربهٔ حسابرس نسبت به سایر رقیبان بیشتر است. بنابراین، جهت ارزیابی تخصص حسابرس در صنعت، در شرکت‌های نمونه از رابطهٔ (۲) استفاده می‌شود.

$$ISPEC = TAOEAPI/TAOTI$$

رابطهٔ (۲):

که در آن:

TAOEAPI = مجموع دارایی‌های تمام صاحب‌کاران هر مؤسسهٔ حسابرسی خاص در صنعت خاص؛

1. Giuli et al.

www.SID.ir

Archive of SID

TAOTI = مجموع دارایی‌های تمام صاحب‌کاران در این صنعت است.

حسابرسانی به عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می‌شوند که سهم شرکت‌های موجود در یک صنعت بازارشان بیش از ۱/۲× (شرکت‌های موجود در یک صنعت/۱) باشد (حاجیها و همکاران، ۱۳۹۱).

مالکیت مدیریتی(MOWN): این متغیر برابر است با مجموع درصد سهام تحت تملک اعضای هیئت‌مدیرهٔ شرکت در هر یک از سنوات پژوهش. لازم به ذکر است با مراجعه به گزارش فعالیت هیئت‌مدیره، درصد سهام تحت تملک اعضای هیئت‌مدیره استخراج می‌گردد.

مالکیت دولتی(GOWN): این متغیر برابر است با درصد سهام نگهداری شده توسط دولت یا نهادهای وابسته به دولت به عنوان سایر سهام‌داران در هر یک از سنوات پژوهش(کامران و همکاران، ۲۰۱۷).

روابط سیاسی شرکت(POLITICAL): این متغیر یک متغیر مجازی است. در صورتی‌که شرکت دارای روابط سیاسی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به آن نسبت داده می‌شود. اندازه‌گیری این متغیر، با بررسی دقیق یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی و گزارش هیئت‌مدیره به مجمع عمومی از طریق شناسایی سهام‌داران صورت‌می‌گیرد. به‌گونه‌ای که اگر عمده سهام یک شرکت (بیش از پنجاه درصد سهام)، در اختیار دولت و یا نهادهای وابسته به دولت باشد، آن شرکت در گروه شرکت‌های سیاسی قرار خواهد گرفت و در غیر این صورت در گروه شرکت‌های فاقد روابط سیاسی قرار می‌گیرد(پورحیدری و همکاران، ۱۳۸۳).

متغیرهای کنترلی:

این متغیرها که در پژوهش‌های پیشین استفاده شده‌اند عبارت‌اند از:

اندازهٔ شرکت(SIZE): این متغیر برابر است با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت در هریک از سنوات پژوهش.

اهرم مالی(LEV): این متغیر نسبت بدهی‌ها به دارایی‌های شرکت را نشان می‌دهد.

سودآوری(PROFIT): یک متغیر مجازی است؛ در صورت گزارش سود توسط شرکت عدد یک و در صورت گزارش زیان عدد صفر به آن نسبت داده می‌شود.

رشد شرکت(GROWTH): برای اندازه‌گیری این متغیر، مجموع دارایی‌ها در سال t-۱ از مجموع دارایی‌ها در سال t کسر شده و بر مجموع دارایی‌ها در سال t-1 تقسیم می‌شود.

یافته‌های پژوهش

در جدول (۱) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش به تفکیک متغیرهای کمی و کیفی نشان داده شده‌است.

همان‌گونه که در جدول (۱) نشان داده شده‌است، میانگین متغیر «محافظه‌کاری حسابداری» برابر با ۰/۰۵۰- می‌باشد که گویای این واقعیت است که متوسط سطح محافظه‌کاری شرکت‌ها در بازار سرمایهٔ ایران برابر با ۰/۰۵۰- می‌باشد. مقایسهٔ این رقم با پژوهش‌های مشابه انجام شدهٔ داخلی و خارجی، تفاوت چشمگیری را نشان نمی‌دهد. از طرفی نیز، میانگین متغیر «اندازهٔ هیئت‌مدیره» برابر با ۵/۱۱۰ می‌باشد که بیان می‌کند شرکت‌های مورد مطالعه به طور متوسط از هیئت‌مدیره‌ای پنج نفره برخوردار بوده‌اند. همچنین، میانگین متغیر «استقلال هیئت‌مدیره» برابر با ۰/۶۴۱ است که نشان دهندهٔ این موضوع است که به طور متوسط ۶۴/۱ درصد مدیران عضو هیئت‌مدیرهٔ شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را اعضای غیرموظف تشکیل داده‌است. از طرفی نیز، میانگین متغیرهای «مالکیت مدیریتی» و «مالکیت دولتی» به ترتیب برابر با ۰/۷۸۱ و ۰/۴۱۱ است که بیانگر این موضوع است که به

www.SID.ir

Archive of SID

طور متوسط ۷۸/۱ و ۴۱/۱ درصد از سهام شرکت‌ها به ترتیب تحت تملک هیئت‌مدیرهٔ شرکت‌ها و مؤسسات دولتی است. افزون بر این بررسی درصد فراوانی متغیر «کیفیت حسابرسی» گویای این واقعیت است که در ۵۷/۶۵ درصد از حسابرسی‌های صورت‌گرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، حسابرسان متخصص صنعت بوده‌اند. علاوه بر این، توزیع فراوانی متغیر «ارتباطات سیاسی» نشان می‌دهد که ۳۶/۰۲ درصد از شرکت‌های مورد مطالعه، دارای ارتباطات سیاسی بوده‌اند.

جدول (۱). آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

الف) متغیرهای کمی

نام متغیر	نماد	میانگین	میانه	کمینه	بیشینه	انحراف معیار
محافظه‌کاری حسابداری	Conservatism	-۰/۰۵۰	-۰/۰۴۷	-۰/۶۷۳	۰/۵۸۷	۰/۱۳۷
اندازهٔ هیئت‌مدیره	BSIZE	۵/۱۱۰	۴/۱۳۲	۵	۷	۰/۴۲۸
استقلال هیئت‌مدیره	BIND	۰/۶۴۱	۰/۵۷۱	۰/۲۰	۱	۰/۱۶۵
مالکیت مدیریتی	MOWN	۰/۷۸۱	۰/۶۷۶	۰/۱۰	۰/۹۹۴	۰/۱۴۶
مالکیت دولتی	GOWN	۰/۴۱۱	۰/۳۷۹	۰	۰/۹۹۰	۰/۳۳۶
اندازهٔ شرکت	SIZE	۵/۹۹۷	۵/۶۴۳	۴/۵۶۲	۸/۲۵۵	۰/۵۸۱
اهرم مالی	LEV	۰/۶۸۶	۰/۵۷۴	۰/۱۴۷	۰/۸۳۵	۰/۲۰۴
رشد شرکت	GROWTH	۰/۰۸۸	۰/۰۶۷	-۱	۱۶/۷۶۲	۰/۷۹۵

ب) متغیرهای کیفی

نام متغیر	شرح	فراوانی	درصد فراوانی
کیفیت حسابرسی AQUALITY	۰	۴۲۱	۴۲/۳۵
	۱	۵۷۳	۵۷/۶۵
	جمع	۹۹۴	۱۰۰
روابط سیاسی POLITICAL	۰	۶۳۶	۶۳/۹۸
	۱	۳۵۸	۳۶/۰۲
	جمع	۹۹۴	۱۰۰
سودآوری PROFIT	۰	۱۵۰	۱۵/۰۹
	۱	۸۴۴	۸۴/۹۱
	جمع	۹۹۴	۱۰۰

در پژوهش حاضر به منظور بررسی فرضیه‌های کلاسیک رگرسیون قبل از برآورد مدل ازآزمون‌های هم‌خطی متغیرهای پژوهش و برای بررسی فرضیه‌های کلاسیک رگرسیون بعد از برآورد مدل از همسانی واریانس، نبود خودهمبستگی و همبستگی مقطعی استفاده شده‌است. همچنین برای انتخاب الگوی مناسب در ساختار داده‌های ترکیبی، از آزمون چاو، براش- پاگان و هاسمن استفاده شده‌است.

در فرضیهٔ اول تأثیر اندازهٔ هیئت‌مدیره بر محافظه‌کاری حسابداری بررسی شده‌است. بدین منظور برای آزمون فرضیهٔ اول پژوهش، به پیروی از پژوهش کامران و همکاران (۲۰۱۷)، مدل رگرسیونی (۱) به‌کار رفته‌است. نتایج آزمون فرضیهٔ اول در جدول (۲) بیان شده‌است.

www.SID.ir

Archive of SID

جدول (۲). نتایج آزمون فرضیهٔ اول پژوهش

$$Conservatism_{it} + \beta_0 + \beta_1 BSIZE_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3\ LEV_{it} + \beta_4 PROFIT_{it} + \beta_5 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	آمارهٔ Z	سطح معناداری
اندازهٔ هیئت‌مدیره	-۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-۱/۲۱	۰/۲۲۷
اندازهٔ شرکت	۰/۲۳۹	۰/۰۰۶	۳۵/۵۶	۰/۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۰۱۶	۰/۰۱۶	-۱/۰۳	۰/۳۰۵
سودآوری	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۴/۵۱	۰/۰۰۰
رشد شرکت	-۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-۰/۶۳	۰/۵۲۷
عرض از مبدأ	-۱/۴۷۴	۰/۰۳۰	-۴۸/۸۱	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل‌شده		۰/۶۸۱		
آمارهٔ والد ۶۳/۳۰۴۰		سطح معناداری	۰/۰۰۰۰	

با توجه به نتایج جدول (۲)، سطح معناداری به دست آمده برای آمارهٔ متغیر «اندازهٔ هیئت‌مدیره» برابر با ۰/۲۲۷ می‌باشد؛ بنابراین، از آنجا که سطح معناداری به دست آمده برای آمارهٔ این متغیر بزرگتر از سطح خطای مورد انتظار ۰/۰۵ است، با تأیید فرض صفر، فرضیهٔ پژوهش مبنی بر تأثیر معنادار اندازهٔ هیئت‌مدیره بر محافظه‌کاری حسابداری، پذیرفته نمی‌شود. از بین متغیرهای کنترلی نیز، اثر متغیرهای «اندازهٔ شرکت» و «سودآوری» بر محافظه‌کاری حسابداری معنادار است. از طرفی نیز، ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۶۸۱ است که حاکی از این است که متغیرهای توضیحی قادر به تبیین و پیش‌بینی ۶۸/۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته هستند. مضافاً، سطح معناداری آمارهٔ والد برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد که نشان می‌دهد مدل رگرسیونی به طور مناسب برازش شده‌است.

در فرضیهٔ دوم تأثیر استقلال هیئت‌مدیره بر محافظه‌کاری حسابداری بررسی شده‌است. بدین منظور برای آزمون فرضیهٔ دوم پژوهش، به پیروی از پژوهش کامران و همکاران (۲۰۱۷)، از مدل رگرسیونی (۲) استفاده شده‌است. نتایج آزمون فرضیهٔ اول در جدول (۳) آمده‌است.

جدول (۳). نتایج آزمون فرضیهٔ دوم پژوهش

$$Conservatism_{it} + \beta_0 + \beta_1 BIND_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3\ LEV_{it} + \beta_4 PROFIT_{it} + \beta_5 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	آمارهٔ Z	سطح معناداری
استقلال هیئت‌مدیره	۰/۱۶۳	۰/۰۱۳	۱۱/۹۳	۰/۰۰۰
اندازهٔ شرکت	۰/۱۸۶	۰/۰۰۶	۲۷/۵۵	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۰۰۸	۰/۰۱۶	۰/۵۰	۰/۶۱۹
سودآوری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۲/۳۹	۰/۰۱۷
رشد شرکت	-۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-۰/۴۳	۰/۶۶۵
عرض از مبدأ	-۱/۲۸۰	۰/۰۲۸	-۴۵/۱۷	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۶۷۸		
آمارهٔ والد ۳۱/۴۱۹۹		سطح معناداری	۰/۰۰۰۰	

باتوجه به نتایج جدول (۳)، سطح معناداری به دست آمده برای آمارهٔ متغیر «استقلال هیئت‌مدیره» برابر با ۰/۰۰۰ و کوچکتر از سطح خطای مورد انتظار ۰/۰۵ می‌باشد که حاکی از این موضوع است که استقلال هیئت‌مدیره

www.SID.ir

Archive of SID

تأثیر معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد. بنابراین، باتوجه به سطح معناداری و ضریب مثبت به دست آمده برای این متغیر، با رد فرض صفر، فرضیهٔ پژوهش مبنی بر تأثیر مثبت استقلال هیئت‌مدیره بر محافظه‌کاری حسابداری، پذیرفته می‌شود. از بین متغیرهای کنترلی نیز، اثر متغیرهای «اندازهٔ شرکت» و «سودآوری» بر محافظه‌کاری حسابداری معنادار است. از طرفی نیز، ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۶۷۸ است که نشان می‌دهد که متغیرهای توضیحی قادر به تبیین و پیش‌بینی ۶۷/۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته هستند. مضافاً، سطح معناداری آمارهٔ والد برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد که گویای این است که مدل رگرسیونی به طور مناسب برازش شده‌است.

در فرضیهٔ سوم تأثیر کیفیت حسابرسی بر محافظه‌کاری حسابداری بررسی شده است. بدین منظور برای آزمون فرضیهٔ سوم پژوهش، به پیروی از پژوهش کامران و همکاران (۲۰۱۷)، از مدل رگرسیونی (۳) استفاده شده‌است. نتایج آزمون فرضیهٔ اول در جدول (۴) آمده‌است.

جدول (۴). نتایج آزمون فرضیهٔ سوم پژوهش

$$Conservatism_{it} + \beta_0 + \beta_1 AQUALITY_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3\ LEV_{it} + \beta_4 PROFIT_{it} + \beta_5 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	آمارهٔ Z	سطح معناداری
اندازهٔ هیئت‌مدیره	۰/۰۰۹	۰/۰۰۱	۴/۹۹	۰/۰۰۰
اندازهٔ شرکت	۰/۲۲۸	۰/۰۰۷	۳۱/۶۴	۰/۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۰۰۸	۰/۰۱۶	-۰/۵۱	۰/۶۱۱
سودآوری	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۴/۰۱	۰/۰۰۰
رشد شرکت	-۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-۰/۵۴	۰/۵۹۲
عرض از مبدأ	-۱/۴۲۵	۰/۰۳۳	-۴۲/۹۷	۰/۰۰۰
ضریب تعیین ۰/۸۶۲		تعدیل شده		
آمارهٔ والد ۴۵/۶۱۸۴		سطح معناداری ۰/۰۰۰۰		

با توجه به نتایج جدول (۴)، سطح معناداری به دست آمده برای آمارهٔ متغیر «کیفیت حسابرسی» برابر با ۰/۰۰۰ و کوچکتر از سطح خطای مورد انتظار ۰/۰۵ می‌باشد که حاکی از این است که کیفیت حسابرسی تأثیر معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد. بنابراین، با توجه به سطح معناداری و ضریب مثبت به دست آمده برای این متغیر، با رد فرض صفر، فرضیهٔ پژوهش مبنی بر تأثیر مثبت کیفیت حسابرسی بر محافظه‌کاری حسابداری، پذیرفته می‌شود. از بین متغیرهای کنترلی نیز، اثر متغیرهای «اندازهٔ شرکت» و «سودآوری» بر محافظه‌کاری حسابداری معنادار است. از طرفی نیز، ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۶۸۲ است که حاکی از این موضوع است که متغیرهای توضیحی قادر به تبیین و پیش‌بینی ۶۸/۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته هستند. مضافاً، سطح معناداری آمارهٔ والد برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد که نشان می‌دهد مدل رگرسیونی به طور مناسب برازش شده‌است.

در فرضیهٔ چهارم تأثیر مالکیت مدیریت بر محافظه‌کاری حسابداری بررسی شده‌است. بدین منظور برای آزمون فرضیهٔ چهارم پژوهش، به پیروی از پژوهش کامران و همکاران (۲۰۱۷)، از مدل رگرسیونی (۴) استفاده شده‌است. نتایج آزمون فرضیهٔ اول در جدول (۵) آمده‌است.

www.SID.ir

Archive of SID

جدول (۵). نتایج آزمون فرضیهٔ چهارم پژوهش

$$Conservatism_{it} + \beta_0 + \beta_1 MOWN_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3\ LEV_{it} + \beta_4 PROFIT_{it} + \beta_5 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	آمارهٔ Z	سطح معناداری
مالکیت مدیریتی	۰/۴۳۳	۰/۰۴۵	۹/۵۲	۰/۰۰۰
اندازهٔ شرکت	۰/۱۰۰	۰/۰۱۴	۶/۷۱	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۰۷۶	۰/۰۱۹	۳/۸۵	۰/۰۰۰
سودآوری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵۰	۰/۶۱۶
رشد شرکت	-۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-۰/۴۸	۰/۶۳۲
عرض از مبدأ	-۱/۰۴۶	۰/۰۴۹	-۲۱/۰۹	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۷۷			
آمارهٔ والد	۲۲/۱۲۲۳	سطح معناداری	۰/۰۰۰۰	

با توجه به نتایج جدول (۵)، سطح معناداری به دست آمده برای آمارهٔ متغیر «مالکیت مدیریتی» برابر با ۰/۰۰۰ و کوچکتر از سطح خطای مورد انتظار ۰/۰۵ می‌باشد که حاکی از این موضوع است که مالکیت مدیریتی تأثیر معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد. بنابراین، با توجه به سطح معناداری و ضریب مثبت به دست آمده برای این متغیر، با رد فرض صفر، فرضیهٔ پژوهش مبنی بر تأثیر مثبت مالکیت مدیریتی بر محافظه‌کاری حسابداری، پذیرفته می‌شود. از بین متغیرهای کنترلی نیز، اثر متغیرهای «اندازهٔ شرکت» و «اهرم مالی» بر محافظه‌کاری حسابداری معنادار است. از طرفی نیز، ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با ۰/۶۷۷ است که حاکی از این موضوع است که متغیرهای توضیحی قادر به تبیین و پیش‌بینی ۶۷/۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته هستند. علاوه بر این، سطح معناداری آمارهٔ والد برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد که نشان می‌دهد مدل رگرسیونی به طور مناسب برازش شده‌است.

در فرضیهٔ پنجم تأثیر مالکیت دولتی بر محافظه‌کاری حسابداری بررسی شده‌است. بدین منظور برای آزمون فرضیهٔ پنجم پژوهش، به پیروی از پژوهش کامران و همکاران (۲۰۱۷)، از مدل رگرسیونی (۵) استفاده شده‌است. نتایج آزمون فرضیهٔ اول در جدول (۶) آمده‌است.

جدول (۶). نتایج آزمون فرضیهٔ پنجم پژوهش

$$Conservatism_{it} + \beta_0 + \beta_1 GOWN_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3\ LEV_{it} + \beta_4 PROFIT_{it} + \beta_5 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	آمارهٔ Z	سطح معناداری
مالکیت دولتی	-۰/۰۳۷	۰/۰۰۳	-۹/۹۵	۰/۰۰۰
اندازهٔ شرکت	۰/۲۰۶	۰/۰۰۷	۲۶/۴۴	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۰۰۸	۰/۰۱۶	۰/۵۲	۰/۶۰۷
سودآوری	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۳/۷۸	۰/۰۰۰
رشد شرکت	-۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-۰/۳۹	۰/۶۹۵
عرض از مبدأ	-۱/۲۸۲	۰/۰۳۸	-۳۳/۳۹	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۶۸۱	
آمارهٔ والد	۹۱/۴۴۹۶	سطح معناداری	۰/۰۰۰۰	

www.SID.ir

Archive of SID

با توجه به نتایج جدول (۶)، سطح معناداری به دست آمده برای آمارهٔ متغیر «مالکیت دولتی» برابر با ۰/۰۰۰ و کوچکتر از سطح خطای مورد انتظار ۰/۰۵ می‌باشد که حاکی از این موضوع است که مالکیت دولتی تأثیر معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد. بنابراین، با توجه به سطح معناداری و ضریب منفی به دست آمده برای این متغیر، با رد فرض صفر، فرضیهٔ پژوهش مبنی بر تأثیر منفی مالکیت دولتی بر محافظه‌کاری حسابداری، پذیرفته می‌شود. از بین متغیرهای کنترلی نیز، اثر متغیرهای «اندازهٔ شرکت» و «سودآوری» بر محافظه‌کاری حسابداری معنادار است. از طرفی نیز، ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۶۸۱ است که گویای این است که متغیرهای توضیحی قادر به تبیین و پیش‌بینی ۶۸/۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته هستند. همچنین سطح معناداری آمارهٔ والد برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد که نشان می‌دهد مدل رگرسیونی به طور مناسب برازش شده‌است.

در فرضیهٔ ششم تأثیر ارتباطات سیاسی بر محافظه‌کاری حسابداری بررسی گشت. بدین منظور برای آزمون فرضیهٔ ششم پژوهش به پیروی از پژوهش کامران و همکاران (۲۰۱۷)، از مدل رگرسیونی (۶) استفاده شده‌است. نتایج آزمون فرضیهٔ اول در جدول (۷) بیان شده‌است.

جدول (۷). نتایج آزمون فرضیهٔ ششم پژوهش

$$Conservatism_{it} + \beta_0 + \beta_1 POLITICAL_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3\ LEV_{it} + \beta_4 PROFIT_{it} + \beta_5 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	آمارهٔ Z	سطح معناداری
روابط سیاسی	-۰/۰۱۷	۰/۰۰۱	-۱۱/۵۵	۰/۰۰۰
اندازهٔ شرکت	۰/۲۲۲	۰/۰۰۶	۳۳/۱۳	۰/۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۰۰۳	۰/۰۱۵	-۰/۲۱	۰/۸۳۳
سودآوری	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۴/۰۷	۰/۰۰۰
رشد شرکت	-۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-۰/۴۳	۰/۶۶۹
عرض از مبدأ	-۱/۳۸۰	۰/۰۳۰	-۴۵/۰۶	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۶۸۱	
آمارهٔ والد ۷۳/۳۹۹۸			سطح معناداری ۰/۰۰۰	

با توجه به نتایج جدول (۷)، سطح معناداری به دست آمده برای آمارهٔ متغیر «روابط سیاسی» برابر با ۰/۰۰۰ و کوچکتر از سطح خطای مورد انتظار ۰/۰۵ می‌باشد که حاکی از این موضوع است که روابط سیاسی تأثیر معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد. بنابراین، با توجه به سطح معناداری و ضریب منفی به دست آمده برای این متغیر، با رد فرض صفر، فرضیهٔ پژوهش مبنی بر تأثیر منفی روابط سیاسی بر محافظه‌کاری حسابداری، پذیرفته می‌شود. از بین متغیرهای کنترلی نیز، اثر متغیرهای «اندازهٔ شرکت» و «سودآوری» بر محافظه‌کاری حسابداری معنادار است. از طرفی نیز، ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۶۸۱ است که حاکی از این است که متغیرهای توضیحی قادر به تبیین و پیش‌بینی ۶۸/۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته هستند. علاوه بر این سطح معناداری آمارهٔ والد برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد که نشان می‌دهد مدل رگرسیونی به طور مناسب برازش شده‌است.

بحث و نتیجه‌گیری

محافظه‌کاری، یک مفهوم حسابداری است که منجر به کاهش سود انباشتهٔ گزارش شده از طریق شناخت دیرتر درآمد و شناخت سریعتر هزینه، ارزیابی پایین دارایی و ارزیابی بالای بدهی می‌شود. بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته، عوامل

www.SID.ir

Archive of SID

متعددی می‌تواند در انتخاب رویه‌های حسابداری محافظه‌کار دخیل باشد؛ در این راستا، استقرار مناسب سازوکارهای حاکمیت شرکتی، اقدامی اساسی برای شفافیت، رعایت انصاف و حقوق همهٔ ذی‌نفعان شرکت‌ها در اتخاذ رویه‌های محافظه‌کارانهٔ حسابداری می‌باشد. چنین استنباط می‌شود که شرکت‌ها با ساختار حاکمیت شرکتی قوی، از روش‌های محافظه‌کارانهٔ بیشتری در گزارشگری مالی استفاده می‌کنند. در حالی که مدیران در شرکت‌های با ساختار حاکمیت شرکتی ضعیف، انگیزهٔ بیشتری برای رفتارهای فرصت‌طلبانه و جانب‌دارانه خواهند داشت. از طرفی نیز، مدیران شرکت‌هایی که ارتباطات سیاسی دارند به کیفیت اطلاعات افشا شدهٔ خود توجه کمتری دارند و ممکن است در جهت حداکثر ساختن منافع خود، اقدام به گزارشگری متهورانه نمایند و از رویه‌های محافظه‌کارانهٔ پایین‌تری تبعیت نمایند. در آزمون فرضیهٔ اول انتظار بر این بود که اندازهٔ هیئت‌مدیره، تأثیر مثبت و معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران داشته باشد؛ اما نتایج حاصل از آزمون فرضیهٔ اول پژوهش، نشان داد که اندازهٔ هیئت‌مدیره تأثیر معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ندارد؛ این‌ها با نتایج پژوهش کامران و همکاران (۲۰۱۷)، و گارسیا لارا و همکاران[1] (۲۰۰۹)، همسو نمی‌باشد. شاید بتوان از مهم‌ترین دلایل همسو نبودن نتایج این فرضیه با پژوهش‌های مشابه خارجی را، یکسان بودن تعداد اعضای هیئت‌مدیره در بیشتر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را عنوان نمود. همچنین براساس فرضیهٔ دوم، استقلال اعضای هیئت‌مدیره، عامل مهمی در بالا بردن و تقویت نقش نظارتی اعضای هیئت‌مدیره می‌باشد که می‌تواند منجر به اصلاح رفتارهای فرصت‌طلبانهٔ مدیریت و افزایش سطح محافظه‌کاری در گزارشگری مالی گردد. نتایج آزمون فرضیهٔ دوم پژوهش نیز، با حمایت از مفاهیم فرضیهٔ نظارت مؤثر، نشان داد، در بورس اوراق بهادار تهران نیز، استقلال هیئت‌مدیره تأثیر مثبت و معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد. این نتایج، علاوه بر منطبق بودن با مفاهیم فرضیهٔ نظارت مؤثر، با نتایج پژوهش کامران و همکاران(۲۰۱۷)، لیم[2] (۲۰۰۹)، و گارسیا لارا و همکاران (۲۰۰۹)، نیز، همسو می‌باشد. نتایج آزمون فرضیهٔ سوم پژوهش نیز، با حمایت از مفاهیم فرضیهٔ تخصص حسابرس، نشان داد، در بورس اوراق بهادار تهران نیز، کیفیت حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد. این نتایج، علاوه بر منطبق بودن با مفاهیم فرضیهٔ تخصص حسابرس، با نتایج پژوهش کامران و همکاران (۲۰۱۷)، و گارسیا لارا و همکاران (۲۰۰۹)، نیز، همسو می‌باشد. نتایج آزمون فرضیهٔ چهارم پژوهش نیز، با حمایت از مفاهیم تئوری نمایندگی، نشان داد، در بورس اوراق بهادار تهران نیز، مالکیت مدیریتی تأثیر مثبت و معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد. این نتایج، علاوه بر منطبق بودن با مفاهیم تئوری نمایندگی، با نتایج پژوهش کامران و همکاران (۲۰۱۷)، و چاتو و همکاران[3] (۲۰۱۰)، نیز، همسو می‌باشد. نتایج آزمون فرضیهٔ پنجم پژوهش نیز، با حمایت از مفاهیم فرضیهٔ نظارت مؤثر، نشان داد، در بورس اوراق بهادار تهران نیز، مالکیت دولتی تأثیر منفی و معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد. این نتایج، علاوه بر منطبق بودن با مفاهیم فرضیهٔ نظارت مؤثر، با نتایج پژوهش کامران و همکاران (۲۰۱۷)، و کولینان و همکاران[4] (۲۰۱۳)، نیز، همسو می‌باشد. نتایج آزمون فرضیهٔ ششم پژوهش نیز، با حمایت از مفاهیم فرضیهٔ اقتصاد سیاسی، نشان داد، در بورس اوراق بهادار تهران نیز، ارتباطات سیاسی تأثیر منفی و معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد. این نتایج، علاوه بر منطبق بودن با مفاهیم فرضیهٔ اقتصاد سیاسی، با نتایج پژوهش کامران و همکاران (۲۰۱۷)، و چن همکاران (۲۰۱۱)، نیز، همسو می‌باشد.

1. Garcia Lara et al.
2. Lim
3. Chato et al.
4. Cullinan et al.

www.SID.ir

Archive of SID

با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱. با توجه به نتایج فرضیه‌های پژوهش و نقش مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی در اتخاذ رویه‌های محافظه‌کار در گزارشگری مالی، به سازمان بورس اوراق بهادار تهران و مقامات قانون‌گذار پیشنهاد می‌گردد رویه‌های مناسبی در راستای ارتقای سطح حاکمیت شرکتی در بازار سرمایه، تدوین نمایند.

۲. با توجه به تأثیر مثبت استقلال هیئت‌مدیره، مالکیت مدیریتی و کیفیت حسابرسی بر سطح محافظه‌کاری حسابداری، به سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران پیشنهادمی‌گردد در تصمیمات سرمایه‌گذاری خود، میزان استقلال هیئت‌مدیره، ساختار مالکیت و کیفیت حسابرسی را به عنوان عوامل مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها، مدنظر قرار دهند.

۳. با توجه به تأثیر منفی مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی بر سطح محافظه‌کاری حسابداری به سازمان بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌گردد نظارت مؤثرتری بر گزارشگری مالی شرکت‌های با مالکیت دولتی و دارای روابط سیاسی داشته باشد.

۴. با توجه به تأثیر منفی مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی بر سطح محافظه‌کاری حسابداری، به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان در بورس اوراق بهادار تهران پیشنهادمی‌گردد در تصمیمات سرمایه‌گذاری خود، سطح مالکیت دولتی و روابط سیاسی شرکت‌ها را به عنوان عاملی مؤثر در گزارشگری مالی متهورانه مدنظر قرار دهند.

۵. باتوجه به تأثیر منفی ارتباطات سیاسی بر محافظه‌کاری حسابداری، به متولیان حرفهٔ حسابرسی در بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌گردد، از آزمون‌های محتوای بیشتری در برنامهٔ حسابرسی خود به منظور کشف نواقص و کاستی‌های موجود در سیستم حسابداری شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی استفاده نمایند.

در هر پژوهشی، عواملی به طور آشکار یا نهان موجب کاهش اثر بخشی تحقیق و کسب و نتایج مناسب می‌گردد. یکی از جنبه‌های مهم هر پژوهشی، وجود داده‌ها و اطلاعات دقیق و نیز سهولت دسترسی به آن‌هاست. در اکثر کشورهای پیشرفته، پایگاه‌های اطلاعاتی دقیق وجود دارد؛ ولی در کشور ما در برخی موارد، اطلاعات و داده‌های پایگاه‌های مختلف، یکسان نیستند. همچنین یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش نبود اطلاعات کامل دربارهٔ برخی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و مشکلات مربوط به جمع‌آوری اطلاعات، به خصوص مشکلات مربوط به افشای روابط سیاسی شرکت‌ها بود که سبب حذف آن‌ها از جامعهٔ مورد مطالعه شد.

References

Ahmadpour, A., Kashanipour, M., & Shojaei, M.R. (2010). Investigating the effect of corporate governance and audit quality on the cost of financing through debt. *Accounting and auditing reviews, 17*(62), 17 - 32. (In Persian).

Badavarhandi, Y., & Taghizadeh Khaneghah, V. (2018). The Impact of Political Communication on Over-Investment and Corporate Performance. *Accounting and auditing reviews, 25*(2), 181-198. (In Persian).

Bani Mahd, B., Hasas Yeganeh, Y., & Yazdanian, N. (2013). Political Relations and Auditor Change: Evidence from Private Sector Auditing Institutions. *Management accounting and auditing knowledge, 2*(8), 1-12. (In Persian).

www.SID.ir

Archive of SID

Bani Mahd, B. (2011). The effect of accounting conservatism on debt. *Management Futurology, 22*(88), 107-120. (In Persian).

Basu, S. (1997) .The Conservatism Principle and The Asymmetric Timeliness of Earnings. Journal of Accounting and Economics, 24(1), 3-37.

Bliss, M. A., & Gul, F. A. (2012). Political connection and cost of debt: Some Malaysian evidence. *Journal of banking and finance, 36*(5), 1520-1527.

Chaney, P.K., Faccio, M., & Parsley, D. (2012). The quality of accounting information in politically connected firms. *Journal of Accounting and Economics, 51*(1-2), 58-76.

Chen, D., Jieying, L., Shangkun, L., & Guojun, W. (2011). Macroeconomic Control, Political Costs and Earnings Management: Evidence from Chinese Listed Real Estate Companies. *Journal of Accounting Research, 4*(3), 91–106

Chen, X., & Yur-Austin, J. (2007). Re-Measuring Agency Costs the Effectiveness of Blockholders. *The Quarterly Review of Economics and Financ, 47*(5), 588-601.

Chi, W., Liu, C., & Wang, T. (2009). What Affects Accounting Conservatism: A Corporate Governance Perspective. *Journal of Contemporary Accounting & Economics, 5*(1), 47-59.

Ebrahimi Kordler, A., & Shahriari, A. (2009). Investigating the relationship between political spending and conservatism (political hypothesis) in Tehran Stock Exchange. *Accounting and auditing reviews, 16* (57), 3-16. (In Persian).

Emami, A., Badiee, H., & Tarivardi, Y. (2016). The Impact of Corporate Governance on Accounting Conservatism. *Economic Journal, 16*(7), 79- 92) .(In Persian).

Givoly, D., & Hayn, C. (2000). The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: Has financial reporting become more conservative? *Journal of accounting and economics*, *29*(3), 287-320.

Habib, A., Muhammadi, A. H., & Jiang, H. (2017). Political connections and related party transactions: Evidence from Indonesia. *The International Journal of Accounting, 52*(1), 45-63.

Hajiha, Z., & Sobhani, N. (2012). The investigation of effect of industry specialist auditor on cost of equity capital and interest rate on debt capital in firms listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge, 1(*3). 35-46.

Hasas Yeganeh, Y. & Ahmadi, M. (2013). Relationship between corporate governance mechanisms and conservatism, *Empirical studies of financial accounting*. *10* (38) .29-52.(In Persian).

Hasas Yeganeh, Y. & Shahriari, A. (2010). Investigating the Relationship between Ownership Concentration and Conservatism in Tehran Stock Exchange, *Financial Accounting Research*. *2* (2) .77 - 94. (In Persian).

Hu, F, Stewart, J., & Tan, W. (2017). CEO's political connections, institutions and audit opinions. *Pacific Accounting Review*. *29*(3).283-306.

Islami Bidgoli, Gh, Nikomram, H, Bani Mahd, B, & Mirsapasi, N. (2011). Accounting conservatism and financial crisis of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Financial knowledge of securities analysis (financial studies), 4* (9). 125-146. (In Persian).

Nasir zadeh, F., & Kam, M. (2013). Investigating the Relationship between Ownership Structure and Accounting Conservatism, Iran National Accounting Conference - Ministry of Science, Research and Technology. *11*. 1-21. (In Persian).

Kaplan, S. E., & Williams, D. D. (2013). Do going concern audit reports protect auditors from litigation? A simultaneous equations approach. *The Accounting Review*, *88*(1), 199-232.

www.SID.ir

Archive of SID

Kazemi, H, Beshkooh, M, & Ismaili, M. (2017). The Impact of Corporate Governance on Accounting and Profit Management Conservatism in Companies Listed on the Tehran Stock Exchange, *Management and Accounting Studies*. *3* (3). 169-188. (In Persian).

Khan, A., Mihret, D. G., & Muttakin, M. B. (2016). Corporate political connections, agency costs and audit quality. *International Journal of Accounting & Information Management. 24*(4).357-374.

Khodamipour, A, & Younes B. (2013). Investigating the relationship between product market competition and board structure and disclosure quality, *Accounting knowledge*. *4* (14). 51-66. (In Persian).

Kim, J. B., & Zhang, L. (2016). Accounting conservatism and stock price crash risk: Firm-level evidence. *Contemporary accounting research*, *33*(1), 412-441.

Lara, J. M. G., Osma, B. G., & Penalva, F. (2009). Accounting conservatism and corporate governance. *Review of accounting studies*, *14*(1), 161-201.

Levitt Jr, A. (1998). The numbers game. *The CPA Journal*, 68(12), 14-19.

Lim, R. (2009). The relationship between corporate governance and accounting conservatism. *The University of New South Wales*.

Majeed, M. A., Zhang, X. Z., & Wang, Z. (2017). Product market competition, regulatory changes, ownership structure and accounting conservatism: evidence from China. *Chinese Management Studies*. *11*(4).658-688.

Maleki, E, Ebrahimi, K, & Jalali, F. (2019). The impact of corporate life cycle on the level of conservatism, *financial accounting research and auditing*. *11* (44). 59-78. (In Persian).

Mohammed, N. F., Ahmed, K., & Ji, X. D. (2017). Accounting conservatism, corporate governance and political connections. *Asian Review of Accounting*. *25*(2).288-318.

Moradzadeh Fard, M., Bani Mahd, B., & Dindar Yazdi, M. (2011). Investigating the relationship between accounting conservatism and corporate governance system, *Management accounting*. *4* (1). 89-102. (In Persian).

Nasirzadeh, F., Oradi, J., & Rajabalizadeh, J. (2017). The effect of audit committee characteristics on conditional conservatism, *Journal* of *Audit science*. *17* (68) .83-105. (In Persian).

Pourheidari, O., & Hemmati, D. (2004). Investigating the effect of debt contracts, political expenses, reward schemes and ownership on earnings management in companies listed on the Tehran Stock Exchange, *Accounting and auditing reviews*. *11* (36) .47-63. (In Persian).

Rezaei, S., & Mohammadzadeh, A. (2018). Investigating the Impact of Corporate Governance on Financial Performance and Financial Crisis of Companies Listed in the Stock Exchange, *Journal of Development and Transformation Management*. *3* (32). 81-88. (In Persian).

Rezazadeh, J. (2015). The Effect of Concentration of Ownership and Government Ownership on Accounting Conservatism, *Financial Accounting Knowledge*. 2 (2). 33-72. (In Persian).

Ryan, S. G. (2006). Identifying conditional conservatism. *European accounting review*, 15(4), 511-525.

Salehi, M, Abbaszadeh, M, & Ahmadi, A. (2019). Investigating the effects of conditional and unconditional labor protection on companies' investment behavior and future returns, *financial accounting research and auditing*. *11* (42). 1-22. (In Persian).

Stayesh, M, & Ebrahimi, F. (2011). Investigating the effect of corporate governance mechanisms on the information content of the profits of companies listed on the Tehran Stock Exchange, *Accounting knowledge*. *3* (8). 31 - 48. (In Persian).

Suleiman, S. (2014). Corporate governance mechanisms and accounting conservatism. *Journal of Management Policies and Practices*, *2*(2), 113-127.

www.SID.ir

Archive of SID

Surgi, M, & Rakhshani, M. (2017). Investigating the Relationship between Public Ownership Structure and Accounting Conservatism of Companies Listed on the Tehran Stock Exchange, *3rd International Conference on Management and Accounting Techniques*. (In Persian).

Tari Verdi, Y, & Badiee, H. (2016). The Impact of Corporate Governance on Accounting Conservatism, *Bimonthly Review of Economic Issues and Policies*. *7* (8). 79-92. (In Persian).

Thai, K, & Kuntisook, K. (2012). Accounting Conservatism and Controlling Shareholder Characteristics: Empirical Evidence from Thailand, www. ssrn. Com. *Faculty of Commerce and Accountancy Chulalongkorn University*, Thailand, 1-47.

Vakilifard, H, & MaranJori, M. (2014). Investigating the Relationship between Auditor tenure and Accounting Conservatism in Iran, *Empirical Accounting Research*. 4 (3). 209-224. (In Persian).

Watts, R. L. (2003). Conservatism in accounting part I: Explanations and mplications. *Accounting horizons*, 17(3), 207-221.

Yin, M., Zhang, J., & Han, J. (2020). Impact of CEO-board social ties on accounting conservatism: Internal control quality as a mediator. *The North American journal of economics and finance*, *52*, DOI: 10.1016

Zraiq, M. A. A., & Fadzil, F. H. B. (2018). The impact of ownership structure on firm performance: Evidence from Jordan. *International Journal of Accounting, Finance and Risk Management*, *3*(1), 1-4.

www.SID.ir